

لازم را ندارد؛ یعنی ذاتاً این ادبیات پشتوانه فرهنگی ندارد و دچار گسست تاریخی است. دلیلش هم این است که ادبیات کودک و نوجوان ما خاستگاهش ادبیات معاصر است. یعنی اگر ادبیات معاصر، از کل سوابق ادب فارسی تغذیه می‌کند، ادبیات کودک از ادبیات معاصر سرچشمه می‌گیرد و معلول نهضت ترجمه است معلول مشروطه به بعد است. مثلاً در حوزه شعر، اگر سهراب سپهری نبود، وضعیت ادبیات معاصر کودک و نوجوان ما گونه دیگری بود. اگر در حوزه داستان نویسی، داستان نویسان بزرگی مثل هدایت، آل احمد و چوبک نبودند، اصلاً شاید ادبیات کودک به وجود نمی‌آمد. این است که این ادبیات فی حد ذاته، پشتوانه خیلی قوی ندارد. حالا پرسش و دغدغه من این است که این جا منتقد چه باید بکند؟ که اگر بخواهم پاسخی دهم، به اطاله کلام می‌انجامد.

علی اصغر سیدآبادی: من فکر می‌کنم کشور ما همین جور که آقای شیخ رضایی، اشاره کردند، کشور سوءتفاهم هاست. ما وقتی می‌گوییم نقد، حتماً باید آن را تعریف کنیم که با چیزی دیگری عوضی گرفته نشود. سوءتفاهمی که در این جلسه ایجاد شد، این بود که بین نقد جدید و سنتی تفاوتی قایل نشدیم. یعنی آقای مهدی پور، از چیزهایی به صورت درست دفاع می‌کردند که در نقد سنتی، درست است. نقد سنتی ادعای جامعیت و تعلیمی بودن دارد. ادعا دارد که در مرتبه‌ای بالاتر از نویسنده قرار گرفته است. ولی چیزی که آقای شیخ رضایی می‌گویند و می‌گویند نود درصد چیزهایی که من خوانده‌ام نقد نیست، اصلاً اشاره ایشان به نقد سنتی نیست. اشاره به نقد جدید است. وقتی خانم معتمدی می‌گویند که ما به فلسفه نیاز داریم، درست می‌گویند. ما وقتی وارد حوزه نقد جدید می‌شویم، باید چارچوبی نظری هم برای نقد خودمان تعریف کنیم. برای تعریف چارچوب نظری ما ناچاریم به فلسفه مراجعه کنیم. وقتی وارد نقد جدید می‌شویم، برای چارچوب نظری خود، ناچاریم به دستاوردهای علوم انسانی دیگر هم مراجعه کنیم.

مهدی حجوتی: بسیار خوب، خیلی ممنون. به نظرم جلسه خوبی بود. لطفاً برای جلسه بعد، یعنی سوم مهرماه، چند نفر از دوستان درباره علمی بودن نقد صحبت کنند. در پایان، قرار شد شهره کاندی، علیرضا کرمانی، روح الله مهدی‌پور عمرانی و حسین شیخ رضایی برای جلسات بعدی، آماده صحبت در این موضوع شوند.



کتاب ماه کودک و نوجوان / آبان ماه ۱۳۷۹

## رعایت استاندارد راهگشاست

گفت و گو با

مهندس وهرز نوروزپور  
عضو هیأت مدیره خانه کتاب ایران  
درباره تهیه فهرست کتاب

بچه‌ها مشغول هستند، از نظر دانش، نسبت به کسانی که برای بزرگسالان کار می‌کنند، در مراتب پایین‌تری قرار دارند. از لحاظ ذوق، بعضی‌ها پایین‌تر هستند. این جا صحبت این است که ما اسلوب روش‌مندی هم پیدا نکنیم، معییری هم پیدا نکنیم؛ چیزی که در حد یک آرمان است. ما در ادبیات بزرگسالان (ادبیات بزرگسالان هم به سبب ادبیات کودکان باب شده) به معنای اعم هم چنین معییری در ایران نداریم. هر کسی بنا به ذوق و سلیقه خودش، چیزی می‌نویسد که به نظر من فرقی با آن حاشیه‌نویسی ندارد. البته، عربها دارند، معییری دارند «لاغانی» که سالیان قبل‌تر نوشته شده، آمده براساس معاییر، اصولی را پیشنهاد کرده که اگر باین موافقت این نقد را بخوانید، ولی ما نداریم. اصلاً چه کسی گفته که «ایجاز» چیز خوبی است و «اطناب» چیز بدی است؟ این‌ها معییری است که محل اتفاق برای منتقدان ما حتی در حوزه بزرگسال نیست. حالا در حوزه کودک و نوجوان، حتی اگر بتوانیم آن قدر دقیق و در حقیقت، با ادبیات داهیانة برخورد نکنیم، خود ادبیات، ادبیات کم وزنی است؛ یعنی گویی نقد نوشتن، مصداق این بیت است که:

خانه از پای بست ویران است

خواجه در بند نقش ایوان است

مثلاً بگوییم در این قسمت اثر استفاده خوبی از آشنایی‌زدایی نشده، حال این که کل اثر ارتباطی که با مخاطب برقرار می‌کند، ارتباط موقتی نیست. بچه‌های کتابخوان، معمولاً آثار بزرگسالان را می‌خوانند. دلمشغولی من این است که در این جا منتقد چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ آثار وظیفه‌اش این است که نویسندگان و شاعران را تعلیم دهد؟ یا این که اصلاً در نظر نگیرد که این ادبیات نوظاست و تازه چند دهه است که آثار زیادی در این موضوع، به چاپ رسیده است؟ مسئله دیگر این که صرف نظر از نویسندگان و شاعران کودک و نوجوان، اصلاً خود ادبیات کودک و نوجوان ما پشتوانه فرهنگی

○ از چگونگی آماده‌سازی فهرست کتاب‌های منتشره در طول ماه، در حوزه کودک و نوجوان بگویید؟

آمار کتاب‌های منتشر شده در طول ماه، با نام تازه‌های کتاب، به صورت کلی به خانه کتاب می‌رسد و سپس، برنامه معرفی آنها آغاز می‌شود. در واقع، کار معرفی کتاب‌ها که در انتهای ماهنامه‌های کتاب ماه به آن می‌پردازیم، به همه کتاب‌ها مربوط است و در هر یازده رده موضوعی انجام می‌گیرد. منتها در این فرایند، ابتدا کتاب‌ها را با معیار رده سنی، به دو بخش بزرگسال و کودک و نوجوان تقسیم می‌کنند و در هر کدام از این دو گروه، ده ردیف تقسیم موضوعی نیز لحاظ می‌شود؛ یعنی تقسیم‌بندی موضوعی کتاب‌ها به شاخه‌های کلیات، دین، علوم اجتماعی، تاریخ و جغرافیا، ادبیات، فلسفه و روان‌شناسی، هنر، زبان، علوم عملی و علوم محض، در معرفی کتاب‌های حوزه کودک‌نوجوانان هم وجود دارد، اما چون تعداد کتاب‌ها در این شاخه‌ها کم است، این تقسیم‌بندی پنهان می‌ماند و به طور کلی، می‌گوییم ده رده موضوعی از کلیات تا هنر و یک موضوع کودک و نوجوان. اما در واقع، کودک و نوجوان موضوع نیست، بلکه یک رده‌بندی سنی به حساب می‌آید. نگاهی به ریز فهرست انتهای هر شماره کتاب ماه کودک و نوجوان، مبین همین گفته است. پس در مرحله اول، دو گونه دسته‌بندی داریم: کتاب بزرگسال و کتاب کودک و نوجوان که در هر دو دسته، ده رده موضوعی در نظر گرفته می‌شود. در حوزه بزرگسال، کتاب‌ها به لحاظ موضوعی معرفی می‌شوند و کثرت عنوان‌ها در هر رده، به شکلی است که عنوان بزرگسال حذف می‌شود و تقسیم‌بندی دهگانه، سرفصل معرفی کتاب‌هاست، اما چون تعداد کتاب‌های تاریخ و جغرافیا، دین و... که در رده سنی کودک‌نوجوان منتشر شده، زیاد نیست، تحت عنوان کلی کودک و نوجوان و بدون فصل‌بندی معرفی می‌شود.

○ چه معیارهایی برای تنظیم فهرست معرفی کتاب در نظر گرفته می‌شود؟

فهرست معرفی کتاب، معیارهایی دارد که بخشی از این معیارها بین‌المللی است و برخی هم بنا به معیارهای داخلی سامان می‌گیرد. اگر فهرست‌نویسی را به دو بخش فهرست‌نویسی توصیفی و تحلیلی تقسیم کنیم، می‌بینیم که فهرست‌نویسی توصیفی، به مشخصات ظاهری کتاب می‌پردازد؛ ذکر عنوان کتاب، نام نویسنده، قطع کتاب، نوع جلد، تعداد صفحه، نوبت چاپ و مشخصات شناسنامه‌ای کتاب که استاندارد مشخصی دارد و در هر دو رده سنی بزرگسال و کودک و نوجوان هم انجام می‌شود. فهرست‌نویسی تحلیلی نیز در ابتدا موضوع کتاب و محور اصلی مورد بحث را تعیین می‌کند. این موضوعات هم کم و بیش استاندارد شده‌اند و این طور نیست که موضوع تعریف‌شده‌ای داشته باشیم.

بحث دیگر، تهیه معرفی و خلاصه کتاب است که در این بخش، بیشترین تفاوت با کتاب‌های بزرگسال به چشم می‌خورد. در واقع، معرفی با زبان کودک و نوجوان انجام نمی‌گیرد بلکه به زبان بزرگسال نوشته می‌شود تا والدین بتوانند کتاب کودک و نوجوان را برای فرزندان‌شان انتخاب کنند.

○ کارکردهای این فهرست‌نویسی و معرفی کتاب چیست؟

هدف ما در وهله اول، اطلاع‌رسانی از کتاب‌های منتشره در سطح عموم مردم است. در عین حال، رعایت



پی گرفته شد و ماهنامه کتاب ماه، شکل و شیوه انتشار این اطلاعات را تعیین می‌کرد.

○ آیا با نمونه‌های خارجی این قبیل فعالیت‌ها آشنا هستید؟

بله. کاتالوگ‌های خارجی مختلفی را در این زمینه دیده‌ام، اما در خارج از کشور، چنین نیست که یک نهاد مشخص مثل «خانه کتاب ایران» متولی جمع‌آوری و ارائه همه اطلاعات کتاب‌های ناشران باشد. در کشورهای توسعه‌یافته نظیر آلمان، فرانسه، انگلیس و آمریکا، ساز و کار انتشار بسیار حرفه‌ای است. وسعت فعالیت و تولید کتاب یک ناشر، در مواردی چنان عظیم است که می‌تواند با بخش قابل ملاحظه‌ای از بازده مجموعه ناشران ما مقایسه شود. البته، در کشورهای که از حیث صنعت نشر به ما نزدیک هستند، ماهنامه‌ها و هفته‌نامه‌های هم‌تای کتاب‌ماه وجود دارد. در همین حوزه، نشریه‌ای به دست من رسید که در ترکیه و به زبان ترکی منتشر شده بود. سابقه فعالیت این نشریه، چیزی حدود دوازده سال بود. نشریه‌ای بسیار حرفه‌ای با کیفیت چاپ بالا و تمام رنگی با سلسله مقالاتی تخصصی در عرصه‌های مختلف کتاب و در انتها فهرست کتاب‌های منتشره در طول ماه با تصویر جلد و معرفی کتاب، به علاوه تبلیغات و آگهی‌های متعدد. آن نشریه، دوازده سال تجربه دارد و طبیعی است که تجربه‌شان بیش از مجلات کتاب ماه است که سه چهار سال از عمر فعالیت‌شان می‌گذرد.

○ درباره چگونگی آغاز فعالیت تهیه فهرست از تازه‌های کتاب و کتاب‌هایی که تاکنون در ایران منتشر شده و همین طور ضرورت تشکیل یک پایگاه اطلاع‌رسانی در قلمرو نشر کتاب، توضیح دهید؟

خانه کتاب از سال ۱۳۷۳ فعالیتش را شروع کرد و از همان ابتدا تهیه فهرستی از کتاب‌های منتشره در داخل کشور را در حد تهیه اطلاعات توصیفی بی گرفت. بعد از آن در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ به فکر افتادیم که این اطلاعات را کامل‌تر کنیم؛ چرا که بسیاری از مخاطبان نیاز داشتند بدانند کتاب معرفی شده با مشخصات مربوطه، چه محتوایی دارد. بنابراین، آمدم و بحث معرفی کتاب را شروع کردیم و به سبب نوپایی فعالیت‌مان و محدودیت منابع و امکانات، ابتدا کتاب‌های پزشکی مدنظر قرار گرفت. اما از سال ۱۳۷۵ این کوشش شامل همه کتاب‌ها شد و چون هدف‌مان تهیه و انعکاس اطلاعاتی جامع از جریان تولید کتاب و وضع نشر بود، از همان زمان، تهیه تصویر روی جلد کتاب‌ها هم انجام شد. در حال حاضر هم تمام تصاویر روی جلد کتاب‌ها، در فایل‌های رایانه‌ای محفوظ است. در هر حال، این اقدام همزمان شد با فعالیت ماهنامه‌های «کتاب ماه» و این پیشنهاد که ما بخشی از نشریات «خانه کتاب» را به انعکاس اطلاعات مربوط به تازه‌های کتاب اختصاص دهیم. در واقع، از همان زمان، درج تصویر روی جلد، معرفی کتاب و اطلاعات توصیفی در ماهنامه‌های کتاب، بنا به موضوع و رده‌بندی‌های دهگانه

## در نظر گرفتن استانداردها می تواند کارکرد معرفی کتاب را در ابعاد

وسیع تری مطرح کند.

برای مثال، کتابداران می توانند بنا به نیاز کتابخانه های شان

و برای غنی کردن مخزن کتابخانه ها، از این فهرست های تعریف شده مطابق با استاندارد کمک بگیرند



اگر در چند سال آینده، بخواهیم از این اطلاعات برای فروش کتاب

از طریق اینترنت یا هر راه دیگر بهره ببریم،

توجه به استانداردها برای ما راهگشاست. در غیر این صورت،

در آینده مجبوریم به حجم عظیمی از کتاب های منتشر شده در گذشته

رجوع کنیم و باز نویسی و تهیه خلاصه و چکیده به این شکل،

بسیار دشوار و حتی غیرممکن به نظر می آید



با در نظر گرفتن این احتمال که مجله کتاب ماه کودک و نوجوان،

به دست بچه ها هم می رسد و کودکان می توانند تصاویر رنگی

روی جلد کتاب ها را ببینند و به کتاب جذب شوند، می شود

صفحات معرفی کتاب را در این ماهنامه، رنگی منتشر کرد

ویژگی های این استاندارد مورد بحث که فهرست نویسی را برای آینده قابل بهره برداری می کند، چیست؟

دستورعمل اجرای استاندارد در حوزه فهرست نویسی توصیفی، همان ذکر شناسنامه کتاب محسوب می شود دستور عمل «انگلو آمریکن» که به صورت دستنامه های راهنما تنظیم شده به شرح تفصیلی استانداردهای فهرست نویسی و معرفی کتاب پرداخته است. در این دستورعمل، چگونگی استاندارد ISO نیز تشریح شده است، اما برای خلاصه نویسی، قاعده های دیگری مدنظر است و استاندارد تعیین شده ای وجود ندارد. البته، در مورد میزان حجم خلاصه کتاب و این که در یک چکیده به سامان، چه عناصر، نکات و محورهایی باید لحاظ شود، دستورعمل هایی وجود دارد، ولی اسلوب تنظیم خلاصه نویسی کتاب در خانه کتاب، با نگاهی به چارچوب مشخص استانداردها و همین طور توجه به نتیجه و بازخورد این تلاش در آینه نقد و نظر مخاطبان، شکل گرفته است. در واقع، آن چه در خانه کتاب تهیه می شود، خلاصه ای است در حد معرفی کتاب؛ خلاصه ای کوتاه در حد چهار پنج خط که با هدف معرفی تنظیم می شود.

در مورد کتاب های کمک آموزشی یا کتاب های چند جلدی، چگونه عمل می کنید؟

تقریباً از سال گذشته، برای این مورد هم برنامه مشخصی تدوین شد. به عبارت دیگر، همان طور که کتاب های مربوط به گروه کودکان، با علامتی از کتاب های بزرگسالان جدا می شود، کتاب های کمک آموزشی هم از سایر کتاب ها تفکیک می گردد. با این شیوه، در حوزه آمارگیری کتاب ها، فعالیت منظم تر می شود و می توان مشخص کرد که تعداد عناوین منتشره کتاب های کمک درسی در ماه گذشته، به چه میزان بوده و یا در چه

استانداردها هم مدنظر است. چون می شود فهرست ها را به گونه ای تهیه کرد که مردم از آن استفاده کنند، اما در نظر گرفتن استانداردها می تواند کارکرد معرفی کتاب را در ابعاد وسیع تری مطرح کند. برای مثال، کتابداران می توانند بنا به نیاز کتابخانه های شان و برای غنی کردن مخزن کتابخانه ها، از این فهرست های تعریف شده مطابق با استاندارد کمک بگیرند. چون در حال حاضر، تعداد مراکزی که کتاب های منتشر شده در داخل کشور را فهرست نویسی می کنند، محدود است. کتابخانه طی، خانه کتاب و برخی کتابخانه های موردی که برای استفاده داخلی خود، به تهیه فهرست از کتاب ها اقدام می کنند، جزو این تعداد محدود به حساب می آیند. اما تنها جایی که در این باره، اطلاعات به روز را در اختیار قرار می دهد، خانه کتاب است. اگر اطلاعات به روز، به دست کتابخانه ها برسد، این فهرست های مطابق با استاندارد، می تواند به کتابخانه ها و کتابداران کمک کند تا مطابق نیاز خود، از آن بهره ببرند. الزام رعایت استانداردها در معرفی و فهرست نویسی کتاب های منتشره، چه کاردهایی دارد؟

وفاداری به اجرای استانداردهای جهانی، در فهرسته نویسی کتاب های منتشر شده، مثل هر اقدام اصولی دیگر، این امتیاز را دارد که پس از صرف زمان برای تهیه آن، می توان از اطلاعات به دست آمده، استفاده های گسترده تری کرد. برای مثال، اگر در چند سال آینده، بخواهیم از این اطلاعات برای فروش کتاب از طریق اینترنت یا هر راه دیگر بهره ببریم، توجه به استانداردها برای ما راهگشاست. در غیر این صورت، در آینده مجبوریم به حجم عظیمی از کتاب های منتشر شده در گذشته رجوع کنیم و باز نویسی و تهیه خلاصه و چکیده به این شکل، بسیار دشوار و حتی غیرممکن به نظر می آید.

حوزه های موضوعی یا در چه سطح سنی منتشر شده است. در مورد کتاب های چند جلدی هم نحوه معرفی این گونه است که هر جلد به شکل جداگانه فهرست نویسی می شود، اما اگر این کتاب ها از لحاظ حجمی به چند جلد تقسیم شده و در عین حال، موضوع واحدی داشته باشند، خلاصه تهیه شده از جلد اول، به عنوان معرفی در کنار مشخصات باقی مجلدات منتشر می شود. حال اگر یک کتاب چند جلدی، در قالب مجموعه منتشر شده و هر جلد برای خود موضوعی مستقل داشته باشد، باید برای هر جلد، علاوه بر ذکر مشخصات، خلاصه یا معرفی مستقلی تهیه شود.

نحوه معرفی و فهرست نویسی در حوزه کتاب های چاپ مجدد چگونه است؟

در این حوزه هم معرفی کتاب، با یک بصره تهیه می شود. در قلمرو کتاب های چاپ مجدد، داشتن یک ویژگی بارز، شرط تهیه معرفی کتاب است؛ چرا که از چنین کتاب هایی در همان سال های شروع فعالیت، خلاصه تهیه و منتشر شده است و حالا بعد از گذشت چند سال از این فعالیت، کتاب های چاپ مجدد، دیگر معرفی نمی شود؛ مگر این که کتاب نسبت به چاپ های قبلی، حائز امتیازی باشد. در واقع، با این روش، کتاب برجسته ای باقی نمی ماند که اقدام به معرفی آن نشده باشد

کتاب هایی که به زبان اصلی در حوزه کودکان منتشر می شود، چه طور؟

در مورد کتاب هایی که به زبان اصلی و در حوزه کودکان به چاپ می رسد هم روال تهیه خلاصه و معرفی طی می شود. اما در این گروه، به دلیل تعداد کم کتاب ها و این که اغلب به آموزش الفبا یا آموزش لغات و کلمات می پردازد، تهیه خلاصه محدود می شود به یک چکیده مختصر که هدف کتاب را برای مخاطب روشن می کند. با این توضیح، می توان گفت فرایند معرفی کتاب، به سه بخش کلی تقسیم می شود: بخش اطلاعات توصیفی، بخش تصویر روی جلد و بخش خلاصه نویسی و معرفی که بخش اطلاعات توصیفی، به همه کتاب ها اختصاص دارد و دو قسمت تصویر کتاب و خلاصه نویسی، به کتاب های چاپ اول مربوط می شود.

اطلاعات آماری تازه های کتاب که بنا به آن، همه امور برنامه معرفی و فهرست نویسی شکل می گیرد، از کدام منبع تهیه می شود؟

دریافت کتاب در «خانه کتاب» به دو طریق انجام می شود و بعد از آن است که ابتدا کار فهرست نویسی شکل می گیرد و بعد باقی مراحل اما دو شیوه دریافت کتاب چگونه است؟ یا خود ناشر، کتاب تازه چاپ شده اش را به خانه کتاب می فرستد یا این اطلاعات از کتاب هایی که در وزارت ارشاد وصول می شود، اخذ می شود.

در این صورت، کتاب تازه ای نیست که نادیده بماند؟ تقریباً خیر، ولی برخی سازمان ها، وزارتخانه ها، دوایر دولتی و دانشگاه ها که خودشان چاپخانه و انتشارات دارند و چرخه وزارت ارشاد را طی نمی کنند و رأساً کتاب منتشر می کنند، ممکن است برای ما کتاب تازه شان را نفرستند و به این ترتیب از آمار خانه کتاب جا می مانند.

به جز این قبیل کاستی ها که جای خالی شان در پایگاه اطلاع رسانی «خانه کتاب» مشخص است، کاستی دیگری در فهرست آماری کتاب های منتشره به نظر نمی رسد؟

در نشست ها و تبادل نظر هایی که با سردبیران ماهنامه های «کتاب ماه» داریم، از دیدگاه ها و پیشنهاد های طرح شده، استفاده می کنیم. همان اوایل کار، در سال

۱۳۷۶ تبادل نظر زیاد بود. کسانی که معرفی‌ها را تهیه می‌کردند نظرهایی داشتند و سردبیران هم دیدگاه‌هایی، اما به مرور نظرها و پیشنهادها به هم نزدیک شد و انسجام گرفت.

○ چه پیشنهادی برای تکمیل اطلاعات «بایگ» اطلاع‌رسانی نشر «خانه کتاب» دارید؟

ناشران و مراکزی که فهرست‌نویسی انتهای ماهنامه‌های کتاب را می‌خوانند، می‌توانند برای بررسی و تکمیل اطلاعات کارنامه انتشاراتی‌شان، به خانه کتاب بیایند تا با کمک آنها اطلاعات آماری خانه کتاب، با جبران کمبودهای ناشی از این عدم ارتباط، غنی‌تر شود.

○ آیا مبنای انتخاب کتاب، برای معرفی در کتاب ماه کودک و نوجوان، بر این قاعده استوار است که کتاب برای کودکان باشد یا درباره کودکان؟ مثلاً کتاب‌های روان‌شناسی کودک که برای بزرگسالان نوشته می‌شود، در بخش معرفی کتاب کودک جای خواهد گرفت؟

مقررات تعیین شده برای معرفی کتاب، در کتاب ماه کودک، به گونه‌ای است که هر دو محور را شامل می‌شود؛ یعنی هم کتابی که راجع به کودک نوشته شده، در این بخش معرفی می‌شود و هم کتابی که برای کودک منتشر شده است.

○ به عنوان یک پیشنهاد، آیا ممکن است صفحات معرفی کتاب‌های کودکان و نوجوانان، در «کتاب ماه کودک و نوجوان» رنگی منتشر شود تا کودکان به کدک جاذبه و گیرایی رنگ‌ها که در حوزه مخاطبی کودک، به عنوان ابزار جذب می‌تواند مطرح باشد، با تصویر کتاب‌های خودشان آشنا شوند و با این شیوه، به کتاب و کتابخوانی علاقه‌مند گردند؟

بله، پیشنهاد خوبی است. با در نظر گرفتن این احتمال که مجله کتاب ماه کودک و نوجوان، به دست بچه‌ها هم می‌رسد و کودکان می‌توانند تصاویر رنگی روی جلد کتاب‌ها را ببینند و به کتاب جذب شوند، می‌شود صفحات معرفی کتاب را در این ماهنامه، رنگی منتشر کرد. در واقع، این امکان از همان ابتدای فعالیت وجود داشته است؛ چون تصاویر روی جلد، به صورت رنگی تهیه و «اسکن» می‌شود. اما محدودیت‌های هزینه‌ای و تنگناهای امکانات، موجب شده که این پیشنهاد به مرحله عمل و انجام نرسد.

○ آیا این صرف هزینه و امکانات، فقط به هزینه چاپ رنگی مربوط نیست؟

چرا. در واقع، برنامه جمع‌آوری و تنظیم اطلاعات، تهیه خلاصه، تهیه تصاویر روی جلد، تدارک صفحه‌بندی و... از اموری است که برای انتشار این فهرست، در کتاب ماه کودک و نوجوان و در هر دو وجه رنگی و سیاه و سفید، انجام می‌گیرد و فقط در حوزه چاپ است که هزینه‌های چاپ رنگی باید به برنامه اضافه شود. در هر حال، امیدواریم بتوانیم معرفی کتاب کودک را در کتاب ماه کودک و نوجوان، به صورت رنگی منتشر کنیم.

## مقاله

# پدر در ادبیات کودک اتریش

○ والتروت هارتمن  
○ فرزاد اسماعیل‌زاده

نمونه خاصی از پدر باشند؟

آیا نویسندگان اتریشی و غیر اتریشی، در نحوه ارائه تصویر پدر، با یکدیگر تفاوت دارند؟  
نتایج بدست آمده از این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های مربوط به رابطه پدر و فرزند و پژوهش‌های خانواده، مقایسه شده است تا از این طریق، به روز بودن یا نبودن تصویرهای ارائه شده از پدر در ادبیات کودک و نوجوان مشخص گردد.

نمونه مورد بررسی

کتاب‌های کودک و نوجوان که در این پژوهش بررسی شده‌اند، ویژه کودکان ۷ سال به بالا بوده و بین سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۹۴، موفق شده‌اند جایزه کتاب کودک و نوجوان اتریش و یا جایزه ادبیات نوجوان آلمان را از آن خود کنند. در مجموع ۱۰۳ عنوان کتاب کودک و نوجوان، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

در این مقطع ۲۰ ساله، ۶۰ عنوان کتاب، جایزه کتاب کودک و نوجوان اتریش را دریافت کرده‌اند که ۴۵ عنوان آن، کتاب کودک و ۱۵ عنوان، کتاب نوجوان بوده است. در همین زمان، ۴۳ عنوان کتاب، جایزه ادبیات نوجوان آلمان را دریافت کرده‌اند که ۲۱ عنوان آن، کتاب کودک و ۲۲ عنوان، کتاب نوجوان بوده است. تمامی کتاب‌ها توسط ناشران آلمانی و اتریشی به چاپ رسیده‌اند و نویسندگان آنان، آلمانی زبان و یا غیرآلمانی زبان بوده‌اند. طی این مدت، در اتریش ۲۵ نویسنده زن و ۲۵ نویسنده مرد و در آلمان ۱۸ نویسنده زن و ۲۵ نویسنده مرد، موفق شده‌اند جایزه ببرند. در این پژوهش، کتاب‌های مصور، کتاب‌های غیرداستانی و همچنین، کتاب‌های ترجمه شده، در نظر گرفته نشده‌اند.

دلایل انتخاب نمونه‌هایی خاص از کتاب‌های کودک و نوجوان، به این شرح است:

ادبیات کودک و نوجوان، بخشی از دستاوردهای فرهنگی است که بایستی نه تنها در حوزه ادبیات، بلکه از جنبه اجتماعی و روان‌شناسی نیز مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. رشد و توسعه سیاسی-اجتماعی، هم‌چون تغییر تصویر پدر در جامعه امروزی، اهل قلم را تحت تأثیر قرار داده و در ادبیات کودک و نوجوان نیز انعکاس یافته است. از آن جا که تحقیقات تجربی و مطالعات آماری در حوزه ادبیات نسبتاً کمیاب است، لذا «تصویر پدر در کتاب‌های برگزیده کودک و نوجوان، در اتریش و آلمان بین سال‌های ۹۴ . ۱۹۷۳» از دیدگاه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، توسط آنستیتو روان‌شناسی [دانشگاه وین] مورد بررسی قرار گرفته است. (Hajszan, ۱۹۹۵)

اهداف تحقیق و مسائل مربوط به تصویر پدر

در این پژوهش، آن دسته از کتاب‌های کودک و نوجوان مدنظر بوده‌اند که طی ۲۱ سال، در کشورهای آلمان و اتریش، موفق به دریافت جایزه شده‌اند. هدف از این پژوهش، شناخت تصویر پدر در ادبیات کودک و نوجوان و میزان مطابقت آن با شرایط جمعیت‌شناختی جامعه امروزی است. یکی از پرسش‌های مطرح در این پژوهش، آن است که تغییر و تحولات عمیق اجتماعی، هم‌چون اشکال مختلف خانواده، تقسیم وظایف پدر و مادر و یا رابطه بین پدر و فرزند، تا چه حد در ادبیات کودک و نوجوان انعکاس یافته است. در ارتباط با نقش پدر نیز الگوهای جدید و امکان طرح‌ریزی نقش‌هایی برای آینده از دیدگاه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، بررسی شده است. پرسش‌هایی که در پی می‌آیند، گزیده‌ای از پرسش‌های مطرح در این پژوهش گسترده هستند:

- آیا تصویر ارائه شده از پدر در کتاب‌های اتریشی، تفاوتی با کتاب‌های آلمانی دارد؟

آیا می‌توان شاخص‌هایی را دسته‌بندی کرد که نشانگر